



State Fiqh: Governing a State Utilizing Emerging Sciences (With a Focus on Defense Issues)

Hamid Rahmati^{*}, Hassan Falah Ahmad Chali^{**} and Mahdi Mohammadian Amiri^{***}

Received: 5 December 2024 | Recieved in revised form: 06 April 2025 | Accepted: 19 April 2025 | Published: 22 November 2025

Abstract

Shi'a jurisprudence, as a valuable legacy of past jurists, seeks to derive the duties of the morally responsible agent (*fi'l al-mukallaf*), their execution, and their supervision based on the data of subsidiary religious evidence (*al-adillah al-shar'iyah al-far'iyah*), aiming to elucidate overarching and absolute rulings (*al-ahkām al-muṭlaqah*). The Noble Prophet and the Infallible Imams (peace be upon them all), during their respective periods of messengership and imamate, articulated these primary and subsidiary rulings, guiding the Muslim community. However, over time and following the occultation of the Awaited Imam (may our souls be his ransom), the challenge of discerning the intent of God, the Blessed and Exalted, arose. This very challenge led Shi'a jurists to engage in *ijtihad*, striving to deduce divine rulings from the religious evidence. One such contemporary challenge is "State Fiqh" (*Fiqh al-Hukūmah*) and the utilization of emerging sciences. These include fields like computing, artificial intelligence, nanotechnology, quantum physics, and nuclear energy, which have no precedent in the traditional religious evidence, and whose application was not explicitly detailed in the statements of the Infallibles (upon whom be peace). This theoretical research, compiled using data from Islamic jurisprudence and law through an evaluative method, concludes that the Islamic State, for the defense, preservation, and protection of itself and God's believers, must not only empower itself through various sciences but also actively engage in the discovery and dissemination of new knowledge. The discovery of new technologies and the advancement of such knowledge ahead of other nations is an undeniable obligation and a matter pleasing to the God.



Keywords: State Fiqh (*Fiqh al-Hukūmah*), Defense, Governance, Emerging Sciences, Islamic Rulings (*Ahkām Shar'iyah*).

* Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran; Email: rahmati1121@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Religions and Islamic Mysticism, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran; Email: aramesh.r.1370@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran; Email: mrmayali@gmail.com

■ Rahmati, R., and others, (2025)., State Fiqh: Governing a State Utilizing Emerging Sciences (With a Focus on Defense Issues). *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 3 (2)., 173–191. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11844.1102>



فقه حکومتی؛ اداره کشور با استفاده از علوم نوپیدا (با رویکرد مسائل دفاعی)

حمید رحمتی^{ID*}، حسن فلاح احمد چالی^{ID**} و مهدی محمدیان امیری^{ID***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

چکیده

فقه شیعه به عنوان میراثی ارزشمند از فقهای پیشین، به دنبال استنباط فعل مکلف، اجراء و نظارت بر آن، بر اساس داده‌های ادله‌ی شرعی فرعی، در صدد تبیین احکام بالادستی و احکام مطلقه است. رسول مکرم اسلام و ائمه‌ی اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) در طول دوران رسالت و امامت خود، احکام اصلی و فرعی را بیان داشته و مسلمین را رهنمون گردیدند. اما در طول زمان و پس از غیبت امام عصر (ارواحنا فداه) با چالشی در کشف مراد الله تبارک و تعالی گردیدند، همین موضوع باعث شد فقهای شیعه اقدام به اجتهاد کرده و سعی در کشف حکم شرعی از روی ادله‌ی شرعی نمودند. از جمله موارد چالشی، فقه حکومتی و بهرگیری از علوم نوپیدا می‌باشد. دانش‌هایی مانند کامپیوتر، هوش مصنوعی، نانو، کوانتوم، انرژی هسته‌ای و مانند اینها که در پیشینه‌ی ادله شرعی وجود نداشته و در کلام معصومین (علیهم السلام) نحوه‌ی بهرگیری از آنها تبیین نشده است. این تحقیق که از نوع نظری و با استفاده از داده‌های فقه و حقوق اسلامی و به روش ارزیابی تدوین شد، به این نتیجه رسید: حکومت اسلامی برای دفاع، حفظ و حراست از خود و بندگان خدا باید علاوه بر قدرتمند شدن به وسیله‌ی علوم مختلف، به کشف و توزیع علوم نوین بپردازد. کشف فن‌آوری‌های نوین و بسط این نوع از دانش‌ها، پیش‌تر و جلوتر از سایر کشورها، فرضی است غیر قابل انکار و مرضی رضای پروردگار.

کلیدواژه: فقه حکومتی، دفاع، اداره‌ی کشور، علوم نوپیدا، احکام شرعی.



* دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. | rahmati1121@gmail.com

** استادیار، گروه ادیان و عرفان اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسئول). | aramesh.r.1370@gmail.com

*** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. | mrmayali@gmail.com

۱- مقدمه

محدوده‌ی دخالت فقه در سطوح مختلف حاکمیت مسئله‌ای چالش برانگیز بوده و نظریات مختلفی در این باره بیان شده است. برخی از روشنفکران مسلمان که نگاه سکولار دارند، معتقدند فقه کارکرد حداقلی دارد و توان ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ندارد. در مقابل، برخی از فیلسوفان و فقیهان قائل به عملکرد حداکثری فقه‌اند و معتقدند فقه کارکرد عام داشته و نسبت به فرد و اجتماع اقتدار دارد. این عده فقه را ملزم به پاسخگویی به سؤالات تجویزی در همه ساحات زندگی بشر می‌دانند. از این روست که گروهی که نگاه حداقلی به فقه دارند و کارکرد اجتماعی فقه را نفی می‌کنند، توانایی فقه در سروسامان بخشیدن به نظامات اجتماعی را به کلی نفی می‌کنند. حال این پرسش جدی مطرح است که فقه تا چه اندازه می‌تواند در طراحی و تأسیس نظام‌های معرفتی نقش ایفا نماید؟ برای پاسخ به این پرسش بر آن شدیم تا به عنوان نمونه تأثیرات فقه حکومتی را در طراحی و تأسیس نظام برخورداری و عمل بر اساس فن‌آوری‌های روز مورد بحث و بررسی قرار دهیم و نشان دهیم که حدود و قلمرو کارکرد فقه حکومتی در عرصه نظام‌سازی فن‌آوری به چه میزان می‌تواند باشد! به عبارت دیگر، فقه اسلامی مجوز برخورداری از فن‌آوری‌ها را در عرصه‌ی حکومت و اجتماع می‌دهد یا اینکه با آن مخالف بوده و رویه‌ی احتیاط را در پیش گرفته و از پرداختن به خودداری می‌کنند.

برخی از فقها که برای فقه، کارکرد فردی قائلند، با استناد به روایاتی مسلمین را از داشتن حکومت و قیام برای به دست آوردن آن منع می‌کنند و در مقابل فقیهانی هستند که با استناد به آیات و روایات معتقد به تشکیل حکومت و برخورداری از تمامی توان برای اداره‌ی آن هستند؛ حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۴۰ نهج البلاغه در این زمینه فرمود: مردم در استقرار حکومت زندگی کنند، به وسیله‌ی حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. بنابراین اعتقاد به هر یک از این عقائد پرداختن به دانش‌های نوپیدا را برای حکومت اسلامی جایز یا منهی می‌دانند. به ویژه در مسئله‌ی دفاع از کیان اسلامی که مسئله‌ای مهم و حیاتی است. امروزه با پیشرفت علمی در عرصه‌ها و سطوح مختلف تهدیدهای متعددی توسط کشورهای مستکبر نسبت به حکومت‌های اسلامی ایجاد شد. از این رو واجب شرعی و عقلی است که ملت‌های مسلمان و کشور‌هایشان با توانمندی و قدرت حرکت کرده و خود را به دانش‌های نوپیدا مجهز نمایند تا در برابر تهدیدهای دشمن توان مقابله و دفاع را داشته‌باشد.

در چند سال اخیر که تهدید دشمن بر حکومت اسلامی ما چند برابر از گذشته شد، تنها قدرت نظامی و اتحاد ملت ایران توانست تهدیدهای آنها را نقش بر آب نماید. از این رو داشتن و پیشرفت در علوم مختلف به ویژه علوم نوپیدا امری است انکارناپذیر و بر حکومت اسلامی واجب است در این مسیر حرکت نماید. این وجوب بر اساس ایده‌های فقه حکومتی قابل صدور بوده و با تکیه بر این دانش این حکم استنباط می‌گردد.

۲ - مفهوم‌شناسی تحقیق

۲-۱ - تعریف فقه

فقه در لغت به معنای، دانستن چیزی و فهم آن، مهارت و هوشیاری (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۶۹). در اصطلاح علمی: عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله‌ی تفصیلی (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۷). فقه به معنی خاص به دو صورت معنا شد: فقه اکبر یعنی علم به اصول عقائد و فقه اصغر یعنی فروع دین (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۸۱۲).

۲-۲ - دفاع

دفاع در لغت عبارت است از: بازداشتن، پس زدن، پاسخ طرف مقابل در هر دعوا (واژه‌یاب، بی‌تا). در اصطلاح معنای آن از معنای لغوی دور نیست، عبارت است از جوابی که اصحاب دعوا به یکدیگر می‌دهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳).

۲-۳ - تعریف حکومت

حکومت در لغت به معنای استحکام و بازداشتن فرد از ظلم و ستمگری است (فراهیدی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۷). در کتب حقوق اساسی و علوم سیاسی نیز حکومت، عبارت است از سازمان اداری، تشکیلات و نهادهای سیاسی؛ مانند قوه مقننه، قضاییه و اجراییه (آشوری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱).

۲-۴ - فقه حکومتی

فقه حکومتی به معانی زیر مطرح شد:

(۱) فقه حکومتی دانش احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در چارچوب یک سازمان متشکل مبتنی بر قدرت حاکم در دولت-کشور است (ضیایی‌فر، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

(۲) فقه حکومتی دانشی است، که معارف مربوط به نظام‌های اجتماعی یا آموزه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه را از منابع دینی استخراج می‌کند لذا از فقه حکومتی، گاه به عنوان فقه نظام‌ها یا فقه‌الاداره یاد می‌شود (پرور، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

(۳) فقه حکومتی به مثابه یک رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهی است، که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می‌گیرد. فقه حکومتی، نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستره‌ای که در فقه حکومتی بحث می‌شود تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود. در این نگاه، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰، صص ۱۸۵-۱۸۴).

۴) فقه حکومتی دانش استنباط احکام مربوط به اداره و سرپرستی از طریق نظام‌ها و نرم‌افزارهای اجتماعی از منابع دینی است. این دانش، زمینه‌ها و قواعد جریان یافتن اصول و ارزش‌های دینی در حوزه مدیریت کلان اجتماعی را فراهم می‌سازد (میرباقری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۱).

بنابراین فقه حکومتی فقهی است که تبیین الگوی نظام اسلامی در ایجاد روابط گوناگون اجتماعی و مدیریت و هدایت و کنترل آن بر اساس شریعت الهی اسلام را بر عهده دارد. بدین ترتیب واژه‌ی فقه حکومتی به مفهومی اعم از واژه «فقه سیاسی» اشاره دارد؛ زیرا شامل فقه مربوط به سایر نظام‌های اجتماعی؛ نظیر نظام فرهنگی، نظام آموزشی، نظام اقتصادی، و غیره می‌شود (اراکی، ۱۳۹۳، ص ۷۱).

۲-۵- انواع رویکرد در فقه حکومتی

در خصوص فقه حکومتی رویکردهایی مطرح می‌باشد که به آنها اشاره می‌شود:

۲-۵-۱- رویکرد کارآمد

احکامی که در راستای فقه حکومتی استنباط می‌شود، از دو سو مورد عنایت قرار می‌گیرد. از یک سو، این حکم می‌بایست مستند به ادله شرعی باشد (دارای حجت باشد) و از سوی دیگر، این حکم به گونه‌ای باشد که جریان آن در جامعه، نه فقط ضرری به نظم عمومی و مصالح عامه نداشته باشد، بلکه باید کارکرد مناسبی در جامعه داشته و فرآیند شهروندی را تسهیل نماید (رحمانی فرد سبزواری، ۱۳۹۹، ص ۵۶). بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است. به این لحاظ قوانین عادی در کشور نیز باید بر اساس اصول اسلامی و حاکمیتی قانون اساسی تنظیم گردد. این اصل جزء اصولی است که قابل تغییر و بازنگری نیست. زیرا مبنای این اصل به حکم خداوند باز می‌گردد. در قرآن طی آیاتی می‌خوانیم: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ غیر از خدا معبودهایی که می‌پرستید چیزی نیستند جز نامهایی که خود و نیاکانتان به آنها داده‌اید، خداوند هیچ حجتی درباره آنها نازل نکرده است، حکم تنها از آن خداست، او فرمان داده است که جز او را نپرستید، این است آیین استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (یوسف، ۴۰)؛ «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»؛ گفت: پسران من! از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف داخل شوید، من قادر به برگرداندن حادثه‌ای که خدا برای شما مقدر کرده است نیستم، حکم تنها از آن خداست، بر او توکل کردم و متوکلان باید بر او توکل کنند» (یوسف، ۶۷)؛ «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي

وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ؛ بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم و شما آن را تکذیب کرده‌اید، چیزی که بدان شتاب دارید نزد من نیست، حکم و فرمان تنها از آن خداست. حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران است» (انعام، ۵۷). در این سه آیه عبارت «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» آمده است، این عبارت اشاره به این موضوع دارد، وقوع نفی بر جنس در مستثنی منه، دلالت می‌کند بر انحصار؛ در اصل حکم و قضا نزد کسی غیر خدای متعال نیست. عموم این آیات شامل حکم تکوینی و تشریعی است. همچنین راجع به داوری و حکم میان مردم، برای رفع نزاع میان آنها و رسیدگی در برابر دو طرف دعوا، این عمل جز نزد خداوند متعال نیست. خداوند بهترین کسی است که حق را به اجرا در می‌آورد و او بهترین برطرف کننده دعواست (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۱۳). از این رو با استناد به احکام الهی و فقه اسلامی که برگرفته از متون بالادستی اسلامی است حکومت اسلامی اقدام به اداره کشور و وضع قانون می‌نماید.

۲-۵-۲- رویکرد حکومت محوری

فرآیند استنباط در رویکرد فقه حکومتی به گونه‌ای است که علاوه بر تضمین اداره مطلوب نظام اسلامی، تحقق غایات شارع در متن جامعه و از سوی شهروندان، مد نظر قرار گیرد. بدیهی است، نه فقط تصمیم‌ها و سیاست‌های کلان جامعه بلکه رفتارهای فردی شهروندان نیز باید در راستای منافع جمعی قرار داشته و مصلحت آنان را ضایع نکند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۵۰). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم؛ و کاری را جز حکم شرع بدون مشورت با شما انجام ندهم؛ و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم؛ و با همه‌ی شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم. پس وقتی من مسئولیت‌های یاد شده را انجام دهم بر خداست که نعمت‌های خود را بر شما ارزانی دارد؛ و اطاعت من بر شما لازم است؛ و نباید از فرمان من سرپیچی کنید؛ و در انجام آنچه صلاح است سستی ورزید؛ و برای رسیدن به حق تلاش کنید. حال اگر شما پایداری نکنید خوارترین افراد نزد من انسان کج رفتار است که او را به سختی کیفر خواهم داد؛ و هیچ راه فراری نخواهد داشت. پس دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهاتان دریافت داشته و از فرماندهان خود در آنچه که خدا امور شما را اصلاح می‌کند اطاعت کنید» (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۰).

خداوند متعال در قرآن ضمن پانصد آیه، وظایف مسلمین و حکومت اسلامی را بیان و امور بندگان را در قالب، عبادات، معاملات و سیاسیات تعیین فرمود (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵). به رسولش فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر چیزی را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای. خدا در برابر مردم تو را حفظ می‌کند و کافران را هدایت نمی‌کند» (مائده، ۶۷). علما راجع به شأن نزول آیه فرمودند: این آیه در روز غدیر بر

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد و ضمن آن امر به ابلاغ امامت حضرت علی (علیه السلام) گردید (مؤمن قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۷۲). اما وجه دیگری نیز از این آیه اخذ می شود و آن اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید اوامر و نواهی الهیه را به بندگان برساند و آنها را مکلف به اتیان نماید. لذا ابلاغ اوامر مولی به مأمورین توسط رسول الزامی است. حکومت اسلامی نیز باید به وضع قوانین پرداخته و با ابلاغ آن به دولت مسیر اجراء را فراهم آورد. قانون مدنی در ماده یک اشاره می کند: (اصلاحی ۱۳۷۰/۰۸/۱۴) - مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره (اصلاحی ۱۳۷۰/۰۸/۱۴) - در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید. به این صورت قوانین در مسیر اجراء قرار خواهند گرفت. این موضوع در مورد فقه حکومت نیز لازم الاجرا است و دست اندرکاران باید اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.

۲-۵-۳- رویکرد تکلیف به شخصیت حقوقی

بر این اساس، فقه حکومتی نمی تواند احکام فقهی خود را به اشخاص حقیقی (اعم از مکلفان به شریعت و شهروندان)، محدود نماید. بلکه می بایست شخصیت های حقوقی را نیز متعلق حقوق و تکالیف قرار دهد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۵، صص ۶۵-۷۱). البته با توجه به ایجاد شخصیت مجازی، این مهم، خصوص این نوع از اشخاص نیز باید به اجراء درآید (الماسی و جلیلی، ۱۴۰۱، ص ۳). هر چند این نوع از تقسیم بندی در متون دینی بالادستی ما بیان نشد، اما از مصادیق بعضی از آیات و روایات می توان این موارد را کشف نمود. خداوند در قرآن می فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» آنچه خدا از اموال چنین آبادیهایی به رسولش غنیمت داد از آن خدا و رسول، خویشاوندان، یتیمان، تهیدستان و به راه ماندگان است تا در میان ثروتمندان شما دست به دست نشود، آنچه را رسول خدا به شما داد بگیرید و از آنچه نهی کرده است خودداری کنید و از خدا بترسید که عذاب او بسیار سخت است» (حشر، ۷). شاهد مثال ما بخش انتهایی آیه است که می فرماید: هر آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به شما امر فرمود، آن ها را اطاعت کنید و هر آنچه را نهی فرمود رها کنید و انجام ندهید. تقوای الهی را پیشه ی خود کنید که خداوند به شدت مجازات می نماید. خطاب آیه، همه ی مجریان و مأمورین در اجتماع هستند. مجریان را می توان به سه بخش تقسیم نمود، اشخاص حقیقی، حقوقی و مجازی. بنابراین نباید اوامر و نواهی الهی را که توسط پیامبر ابلاغ گردید با توجه به نوع تکلیف اتیان نمایند.

۲-۶ - علوم نوپیدا

علوم جمع مکسر علم است و به معنای فاصله میان دو زمین، نشانی که در راه برای بازشناختن می‌سازند، دانستن، یقین پیدا کردن، معرفت، دانش و آگاهی آمده است (واژه‌یاب، بی‌تا).

نوپیدا به مواردی گفته می‌شود که تا به زمان پیدایش، مطرح نبوده و از آن پس مطرح گردیده‌اند. بنابراین می‌تواند به هر موضوعی اختصاص پیدا نماید. امروزه دانش‌هایی مطرح هستند که تا به امروز انسان‌ها از آنها آگاهی نداشته و مطرح نبوده‌اند، اما به وسیله‌ی دانشمندان کشف شده و مورد بهره‌برداری انسان‌ها قرار گرفتند. حوزه‌ی این دانش‌ها بسیار گسترده است و به مرور زمان گسترده‌تر می‌شود. هر بار چهره‌ای نو از آنها مشاهده می‌شود. این دانش‌ها بیشتر بنیادی بوده و قابلیت‌های بسیاری به همراه دارند.

۳ - ضرورت برخورداری از دانش‌های نوپیدا

جامعه‌ی بشری برای زندگی و پیشرفت، نیاز به برخورداری از دانش دارد؛ باید همگام با سایر کشورها، خود را تجهیز نماید. وجود دانشمندان و تربیت افراد خوش‌فکر و نوآور از ضرورت‌ها است. خداوند در پنج آیه اول سوره علق این مهم را متذکر گردید. در آیه پنجم فرمود: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». این آیه اشاره به برهان حسی دارد و در قرآن تکرار شده است. خداوند بر این اساس مشرکینی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار کردند، توبیخ نمود و به لزوم تربیت دانشمندان و گسترش علم و دانش اشاره فرمود (معروف الحسینی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴). به عبارت دیگر منشاء همه‌ی دانش‌ها خداست و خداوند برای تکریم نوع بشر، دانش را به آنها آموخت و به عنوان نعمتی به آنها ارزانی داشت. از آنها خواست تا دانش را به بیراهه نکشاند و از آن بهره‌برداری نابه جا نداشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۶۳، ص ۱۲).

بنابراین علوم مختلف بر انسان عرضه گردید و آدمی با سعی و تلاش خود به آنها دست یافت. در این قرن اخیر سرعت پیشرفت علمی در جهان بسیار زیاد بوده و در حال افزایش است. هر کشوری باید تمامی سعی و تلاش خود را بنماید تا از این قافله عقب نماند. جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین اساس اقدامات گسترده‌ای انجام داده است. از اقدامات علمی کشور در چند دهه‌ی اخیر می‌توان از فن‌آوری هسته‌ای، اقتصاد دانش‌بنیان، بیوتکنولوژی (زیست فن‌آوری)، سلول‌های بنیادی، پلاسما، هوش مصنوعی و مانند اینها نام برد.

دانش برای انسان و جامعه‌ی انسانی ایجاد قدر می‌کند و باعث می‌شود به صورت فردی و اجتماعی بتواند در مسیر اهداف خود اقدام و حرکت نماید. امام علی (علیه السلام) در فرازی از خطبه ۱۰۵ می‌فرماید: «پس به فراگیری علم و دانش پیش از آنکه در خشتش بخشکد تلاش کنید؛ و پیش از آنکه به خود مشغول گردید، از معدن علوم دانش استخراج کنید. مردم

را از حرام و منکرات باز دارید و خود هم مرتکب نشوید؛ زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود، محرّمات را ترک و سپس مردم را باز دارید» (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶).

خداوند می‌فرماید: «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۹). خدا به همه چیز داناست. علت آنکه جای «علیم» (دانا) کلمه «قدیر» (توانا) بکار نرفته این است که قدرت و توانایی خداوند در ضمن «استوی» که لازمه‌ی آن، تسلط و استیلا بر زمین و آسمان است بیان شده است و با این کلمه می‌خواهد به مردم بفهماند که تسلط و استیلا بر زمین و آسمان با علم و دانش است. زیرا وقتی که توانایی و دانایی دست به دست هم دهند. کارها با محکمی و زیبایی بیشتری انجام می‌پذیرد و خداوند می‌خواهد ضمناً بفهماند (به‌مشرکان) که او به نتیجه و سرانجام کار خودشان و نعمت‌هایی که به آنان بخشیده عالم و آگاه است (طبرسی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۱۴). در این آیه خداوند به علم خود به مصالح خلق اشاره می‌فرماید و می‌فرماید هر آنچه در زمین خلق شده برای مصالح انسان است (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶۳). از جمله‌ی این مصالح کسب علم و دانش می‌باشد. هر فرد از افراد دانش می‌تواند مشمول این حکم قرار بگیرد. در حدیث معروف امام صادق (علیه السلام) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۰؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۳)، ایشان مکاسب را به چهار بخش تقسیم فرمودند؛ یکی از این مصادیق صناعات است که به صنایع حرام و حلال تقسیم شدند. نوع حلال به دلیل منفعت و عقلایی بودن واجب است و نوع منفی آن به دلیل منهی بودن و تالی فاسد داشتن حرام گردید (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۷). کسب دانش مشمول این حکم است.

با جمع ادله‌ی مذکور، کسب قدرت بر جامعه‌ی اسلامی واجب شرعی و عقلی است؛ کسب دانش که مایه‌ی کسب قدرت است، به عنوان مقدمه‌ی واجب، واجب خواهد بود (اراکي، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۹). لذا اخذ دانش‌های نوپیدا و پیشرفت در آن به عنوان فرد این مقدمه، مشمول حکم وجوب خواهند بود. جامعه‌ی اسلامی دست کم در یک دهه‌ی اخیر به شدت مورد تهدید دشمنان خارجی قرار گرفت. جنگ ترکیبی بسیار سخت و شکننده در سال ۱۴۰۱، تهدید آمریکا و رژیم جعلی اسرائیل در چند ماه اخیر^۱، نمونه‌ی بارز آن است؛ اگر کشور خود را به دانش روز قوی نمی‌نمود، دچار شکست سختی می‌شد. لذا وجوب کسب دانش نوپیدا از اهم واجبات بوده و شرع مقدس به این امر دلالت دارد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۹).

۴ - احکام فقهی مربوط به دانش‌های نوپیدا

همانطور که بیان شد، کسب دانش واجب بوده و بر هر مسلمانی، به ویژه هر حکومت اسلامی، واجب است در این زمینه اقدام کرده و مقدمات کار را فراهم آورد و امکانات و زیرساخت وسیعی در این زمینه ایجاد نماید. با عنایت به پیشرفت بشر در کشف دانش‌های نوین (دانش‌هایی که پیش‌تر بشر به آنها نرسیده بود) بر مسلمین و حکومت‌های اسلامی واجب است خود

^۱ این ادعا با توجه به زمان نگارش این تحقیق مطرح شده است.

را در برابر تهدیدهای خارجی و دفاع از خود مجهز نماید. در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص باید اقدامات خود را به انجام رساند. فقه حکومتی ما نیز در این خصوص ورود پیدا کرده و حکم شرعی مربوطه را بیان داشته‌است. زمینه‌ی تحقیق در این خصوص از گستردگی بسیاری برخوردار است. در این مقاله تنها به احکام فقهی مربوط به دفاع پرداخته می‌شود و زمینه‌های دیگر مانند تعلیم و تربیت، روانشناسی، پزشکی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، هنر و مانند اینها می‌تواند در مقالات دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱ - لزوم دفاع از جامعه اسلامی

متون بالادستی دین ما، در زمینه‌ی دفاع از سرزمین اسلامی در برابر دشمنان خدا، علاوه بر افراد مسلمین، حکومت را نیز به این امر مکلف می‌فرماید و اشاره می‌دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ مؤمنان در راه خدا پیکار می‌کنند و کافران در راه شیطان. پس شما با یاران شیطان پیکار کنید که مکر و حيله شیطان ضعیف است» (نساء، ۷۶). در این آیه منظور از قتال با طاغوت، جهاد ابتدایی نیست، بلکه جهاد دفاعی است (سبحانی، ۱۳۹۷). در نگاه اول دفاع از نوع نظامی آن به ذهن متبادر می‌گردد، اما به نظر، نگاه آیه عام بوده و جدا از دفاع نظامی سایر موارد دفاع را نیز در بر می‌گیرد. امروزه تهدید سرزمین اسلامی صرف نظر از جنبه‌ی نظامی، جنبه‌های دیگری نیز به خود گرفته‌است. جنگ شناختی، جنگ تکنولوژیکی، جنگ فرهنگی، جنگ در فضای مجازی، جنگ پزشکی، جنگ سیاسی، جنگ اجتماعی، جنگ اقتصادی و دیگر موارد که چالش‌های فراوانی را ایجاد کرده‌است. دفاع از سرزمین اسلامی در برابر این نوع از تهدیدها الزامی و غیر قابل انکار است. در این خصوص گفته‌شد: این بیان صراحت دارد که دشمن مستضعفان، طاغوتها و دوستان شیطانند، و نیوستن به صفوف جنگندگان هواخواه مستضعفان، و قرار گرفتن در کنار طاغوت‌های مستکبر (اقتصادی یا سیاسی) از کردار کافران است. اسلام همواره، در یک جنگ دایمی بر ضد استکبار و مستکبران درگیر است. و از مهمترین و بزرگترین اشکال استکبار، گونه اقتصادی آن است، (و البته نوع علمی و دانشی آن) پس در پرتو این تعالیم دینی و اسلامی، ضدیت با تکاثر و جنگیدن با آن، یک بخش ماهوی، از اصل «جهاد اسلامی» به شمار می‌آید (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۲۶).

بر همین اساس گستره‌ی جنگ تنها در بعد نظامی آن نیست. سایر تهدیدها نیز جامعه را وادار به دفاع از خود می‌نماید. در این خصوص مقام معظم رهبری فرمودند: «جهاد انواع مختلفی دارد: یک وقت ممکن است که جهاد علمی رجحان پیدا کند - بله، مواردی داریم از این قبیل که جهاد علمی رجحان پیدا می‌کند - یک وقت هم جهاد نظامی رجحان پیدا می‌کند، یک وقت جهاد سیاسی رجحان پیدا می‌کند، یک وقت جهاد اجتماعی و ورود در فعالیت‌های اجتماعی رجحان پیدا می‌کند. در همه‌ی این موارد، طلب جوان ما، فضیلت جوان ما باید احساس مسؤولیت بکنند و بدانند که خطاب اول، متعلق به آنها

است؛ برای اینکه وظیفه‌ی اوّلی و اصلی ما جامعه‌ی روحانیّت عبارت است از دعوت الی‌الخیر؛ کاری که انبیا می‌کردند؛ این وظیفه‌ی اوّلیه‌ی ما است. و بهترین وسیله‌ی دعوت الی‌الخیر هم عبارت است از عمل؛ عمل در میدان خیر و در میدان دعوت. بنابراین وارد شدن در میدان مجاهدت، برای عالم دینی و روحانی یک وظیفه‌ی اوّلی و بدیهی و قطعی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. آن کسی که از میدان جهاد کناره می‌گیرد، در واقع بایستی توجّه بکند که میدان جهاد، اساس قضیه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

وقتی تهدید دشمن، به شکل آشکار، هویدا باشد، دفاع از حریم و مملکت بر هر فردی از افراد جامعه و حکومت الزامی و واجب خواهد بود. زیرا ما برای این دفاع دلیل داریم و وجود دلیل متقن و مستدل که در شرع مخالفی نداشته‌باشد، برای هر اقدامی، موجب جواز آن خواهد شد (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۲).

در این بین داشتن سلاح برای مبارزه، از ملزوماتی است غیر قابل انکار؛ در هر مبارزه‌ای سلاح شایسته و درخور آن لازم است. در جهاد دفاعی داشتن دانش، متناسب با تهدید دشمن ترجیح دارد و باید به آن سلاح مجهز شد. در این خصوص مقام معظم رهبری، ضمن ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری، در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۲۹ اینگونه فرمودند: «به نظر من جوانان انقلابی دانشگاه سعی کنند خوب درس بخوانند، خوب فکر و معرفشان را بالا ببرند، سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند، فعال باشند نه منفعل، روی محیط خودشان اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است. یک جوان، گاهی اوقات می‌تواند مجموعه‌ی پیرامون خودش را، کلاس را، استاد را، حتی دانشگاه را زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار بدهد. البته این کار با سیاسی‌کاری به دست نمی‌آید، با معنویت به دست می‌آید، با صفا به دست می‌آید، با استحکام رابطه با خدا به دست می‌آید. عزیزان من رابطه با خدا را جدی بگیرید؛ شما جوانید به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید، مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است؛ مبدا این‌ها را به حاشیه برانید». ایشان در فرازی دیگر فرمودند: «امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. جهاد یک معنای خاصی دارد، معنای جهاد فقط تلاش نیست؛ در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است؛ در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست، مجاهدت با نفس، مجاهدت در مقابل شیطان، جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است مواجهه با یک معارض است. امروز ما در زمینه علم نیاز داریم که این‌جور تلاش در کشور بکنیم؛ احساس کنیم موانعی وجود دارد، باید این موانع را برداریم. دارد معارضه‌هایی می‌شود باید این معارضه‌ها را در هم بشکنیم. در زمینه عرضه امکانات علمی خست‌هایی از سوی کسانی که صاحب آن هستند که کشورهای پیشرفته علمی است وجود دارد؛ باید در مقابل این خست‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم» (پرسمان دانشگاهیان، بی‌تا).

در دفاع علمی مجهز شدن به دانش روز و پیشرفته لازم است. حکومت اسلامی باید از نیروهای زبده و کارآموده‌ی خود بهره‌برداری نماید و به تعلیم جوانان با انگیزه و مستعد و مؤمن و انقلابی بپردازد. از امکانات مختلف استفاده کرده و خود

را نسبت به این گونه از دانش‌ها مجهز نماید. زیرا جهاد دفاعی امروز تنها با داشتن اسلحه کافی نیست، بلکه داشتن دانش‌های مختلف که به دشمن نیرو و توان می‌دهد، لازم و انکارناپذیر است (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۹۶).

۴-۲- مقابله با خدعه و نیرنگ علمی دشمن

از جمله تهدیدهای دشمن در جنگ علمی، انجام خدعه و نیرنگ است. خود را دوست نشان می‌دهد و با آلوده‌سازی فضای کشور به بهره‌برداری سوء خود می‌پردازد. در این میان به دو تهدید علمی دشمن اشاره خواهد شد.

۴-۲-۱- برنامه‌سازی و تولید محتوا در فضای مجازی

از جمله مواردی که در فقه حکومتی باید به آن توجه شود، مقابله با تولید محتوا و برنامه‌سازی دشمن در فضای مجازی است. این محیط، صحنه و ابزار جنگ است. شاید بتوان گفت: وقتی شیطان به دلیل گناه نافرمانی خداوند در سجده به انسان، تقاضای مهلت نمود و خداوند با این تقاضای او موافقت فرمود، عرض کرد: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»؛ گفت: به عزت سوگند که همه‌شان را گمراه خواهم کرد، جز بندگان مخلصت را» (ص، ۸۲ و ۸۳) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۴۶). فضای مجازی ابزار نوین شیطان است برای فریب و نیرنگ به انسان‌ها. در این فضای بی‌انتها، به میزان فراوانی، اطلاعات و برنامه‌ها و محتواها ساخته و پخش می‌گردد. دانش IT^۱ و AI^۲ دو دانشی هستند که این فضا را مدیریت می‌کنند و سازندگان محتوا بر اساس سفارشی که دارند به تولید آنها پرداخته و در اختیار جستجوگران در فضای مجازی قرار می‌دهند. سامانه‌هایی مانند اینستاگرام و واتساپ و تلگرام و مانند اینها ابزار بسیار مهمی در انتشار این محتواها هستند. سواد رسانه و روشنگری و جهاد تبیین ابزاری نوین در مقابله با این تهدیدها به شمار می‌روند. حکومت اسلامی باید تمامی توان خود را در روشنگری و ساخت تبلیغات مناسب برای محدودسازی این فضا و مدیریت آن و مقابله به مثل در محتواهای انحرافی ساخته شده انجام دهد.

مقام معظم رهبری در خصوص جهاد تبیین فرمودند: «در میان خصوصیات برجسته و ممتاز فاطمهی زهرا (سلام الله علیها)، یکی از خصوصیات بسیار برجسته «جهاد تبیین» فاطمهی زهرا است. ایشان دو خطابه‌ی ممتاز و نامدار ایراد کردند که یکی از آن دو خطابه، خطابه‌ی معروف ایشان: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنِعَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهِمَ» در جمع صحابه است که درباره‌ی این خطابه گفته شده که در ردیف بهترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است - آن کسانی که اهل بلاغت و اهل فهمند، این جور گفته‌اند؛ مملو است از معارف و حقایق - یکی هم آن خطبه‌ی حضرت خطاب به زنان مهاجر و انصار است: «أَصْبَحْتُ

^۱ Information Technology

^۲ Artificial intelligence

وَاللّٰهُ عَاقِبَةُ لِدُنْيَاكُمْ قَالِيَةً لِّرَجَالِكُمْ» یا «عَاقِبَةُ لِدُنْيَاكُمْ قَالِيَةً لِّرَجَالِكُمْ»؛ این دو خطابه «جهاد تبیین» فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در مدّت کوتاهی بعد از رحلت پیغمبر است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲).

به این ترتیب انجام جهاد تبیین در محافظت از کشور در فضای مجازی از اهم الزامات و واجبات است. زیرا خطر نیرنگ و فریب از هزاران اسلحه سخت‌تر و سهمگین‌تر است. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «ای خداوند، مرا و نسل مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار. تو ما را آفریده‌ای و به نیکی امر کرده‌ای و از بدی نهی و به ثواب آنچه ما را بدان امر کرده‌ای مشتاق و از عقاب آن بیمناک. برای ما دشمنی ساخته‌ای همواره در کار نیرنگ و فریب ما. در اموری بر ما چیره‌اش گردانیده‌ای که ما را بر او چیرگی نداده‌ای. در درون سینه ما جایش داده‌ای و چون خون در رگهای ما روانش گردانیده‌ای. اگر ما از او غافل شویم، او از ما غافل نشود. اگر ما فراموش کنیم، او ما را فراموش نکند. عقاب تو را در نظر ما ناچیز می‌نماید و ما را از دیگری جز تو بیم می‌دهد. اگر آهنگ گناه کنیم، در ارتکاب آن دلیرمان گرداند و اگر آهنگ کاری شایسته کنیم، از گزاردن آن بازمان دارد. برای ما هر چه می‌طلبد هواهای نفسانی است و به هر چه اشارت می‌کند اعمال شبهه‌آمیز. اگر وعده دهد، وعده‌اش دروغ است و اگر آرزویی در دل ما برانگیزد، خود به خلاف آن برخیزد. ای خداوند ما، اگر مکرش را از ما باز نگردانی، گمراهمان کند و اگر ما را از تبهکاریهایش در امان نداری، پای ثبات ما بلغزاند» (امام سجاد (ع)، ۱۳۷۵، صص ۱۶۶-۱۶۵).

در این دعا امام سجاد (علیه السلام) خطر و نیرنگ و فریب شیطان را بازگو می‌فرماید و از خداوند می‌خواهد تا دمی ما را از شر او تنها نگذارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ؛ چنین دشمنانی از شیاطین جن و انس را در برابر هر پیامبری قرار دادیم که سخنان فریبنده بی‌پایه به دیگران القاء می‌کردند و اگر پروردگارت می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنها را با دروغهایشان واگذار.» (انعام، ۱۱۲).

خطر بسیار گسترده‌ای توسط دشمنان دین و خداوند وجود دارد که حکومت اسلامی باید در برابر آن مقاومت نماید. تعهد جامعه‌ی اسلامی و حکومت آن این است که اینگونه از تهدیدها را جدی گرفته و تمام تلاش خود را در مقابله با آن بکار بندد. در این خصوص خداوند می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ اٰنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ عَلَی الظَّالِمِینَ؛ و با آنها پیکار کنید تا شرک باقی نماند و دین، مخصوص خدا شود، ولی اگر دست برداشتند بدانید که ستم جز بر ستمکاران روا نیست» (بقره، ۱۹۳). در این آیه شریفه هدف از مبارزه، رفع فتنه و گسترش یکتاپرستی بیان شده است و شاید مراد از جمله‌ی «لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ؛ به خود ظلم کردم و به خاطر نادانی گستاخی نمودم» اشاره به جنگ دفاعی به معنی مصطلح باشد. اما مراد از جمله «وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» جنگ ابتدایی، و هنگامی که این دو غرض به دست آمد نباید برای استعباد و استثمار جوامع مختلف به تجاوز پرداخت، مگر اینکه آنان افرادی ستمگر و ظالم باشند که در این صورت برای رفع شرارت و ستمگری آنان باید مبارزه ادامه یابد، که دفع ظلم نیز بی‌تردید یک مبارزه‌ی دفاعی است (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۲۵). قاعده فقهی

دفع ضرر محتمل در امور شبهه و به طریق اولی در امور یقینی ورود ضرر لازم و عقلاً واجب است. زیرا وقتی کسی بداند ضرر محتمل الوقوعی وجود دارد باید مقدمات دفع آن را فراهم آورد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۰۶).

تعلل در مبارزه در فضای مجازی بر اساس فرموده‌ی قرآن پذیرش ستم و ستمکاری است. پذیرش ستم از آن جهت که اجازه می‌دهیم دشمن در رفتار و کردار و گفتار ما مسلط شود و به جای تصمیم بگیرد و عقیده خود را بر ما مسلط نماید. ستمگر خواهیم بود از آن جهت که به خود ظلم کرده‌ایم (ظلمت نفسی و تجرئت بجهلی) (فرازی از دعای کمیل) زیرا پذیرش افکار الحادی و شیطانی ظلم بزرگی است که یک انسان می‌تواند در مورد خود روا دارد. زیرا با پذیرش افکار الحادی رفتار انسان و روش زندگی‌اش تغییر پیدا کرده و به جای حرکت در مسیر الی الله در مسیر کفر قدم خواهد زد.

۴-۲-۲ - جنگ بیوتکنولوژی

یکی از مدل‌های جنگ که سابقه‌ای طولانی داشته و بشر با آن روش دشمنان خود را از میان بر می‌داشت، جنگ بیولوژیک می‌باشد. البته این مدل با پیش‌رفت علم و فناوری همراه با تغییراتی بوده است. لذا حکومت‌ها به‌ویژه حکومت اسلامی باید خود را نسبت به مقابله با چنین عملی آماده کرده و امکان دفاع از خود و شهروندان خود را فراهم آورد. نمونه‌ی تاریخی آن مانند شهادت بعضی از ائمه‌ی اطهارین مانند رسول مکرّم اسلام (صل الله علیه و آله) امام علی (علیه السلام)، امام حسن مجتبی (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) و مانند آن قابل ذکر است. در موارد متعددی از ترورها مانند ترور مرحوم شهید ربانی املشی، سردار شهید حجازی و مانند آنها نیز بر اساس این مدل به قتل رسیده‌اند. این مدل از جنگ تأثیرات مختلفی دارد:

- ۱) تأثیر فیزیکی: مثل بروز بیماری و مرگ و میر، ناتوانایی‌های موضوعی و تمام بدن.
- ۲) تأثیر روانی: مثل بروز ترس، وحشت، اختلال روانی، عود بیماری.
- ۳) تأثیر عمومی: مانند از هم پاشیدگی نظام اجتماعی و اختلال در نظم عمومی.
- ۴) تأثیر اقتصادی: مثل محدودیت‌های سفر و جابجایی و متوقف کردن فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار.
- ۵) خطر زیست‌محیطی و بهداشتی: بیماری‌های بیولوژیکی به آسانی منتشر می‌شود و از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد مثل آسیب رساندن به انسان‌ها به حیوانات گیاهان و آلوده شدن منابع طبیعی که در نتیجه آن جهت جبران لطمات بهداشتی ناشی از آنها و سازماندهی مجدد به عملیات ویژه‌ای نیاز هست (مرادخانی و رحمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۱).

بی‌تردید حکومت اسلامی باید توانایی خود را در شناسایی و شناخت این روش و نحوه‌ی مقابله با آن و نجات کسانی که طعمه‌ی آن قرار گرفته‌اند، بالا ببرد. فقه حکومتی ما با استناد به قرآن کریم «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّلًا» در راه خدا پیکار کن که جز بر خودت مکلف نیستی و مؤمنان را تشویق و تشجیع کن، امید است خداوند مانع قدرت کافران شود که قدرت او بیشتر است و عقوبتش

شدیدتر» (نساء، ۸۴) و با استناد به قاعده لاضرر و لاضرار فی الدین (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۵)، دفع ضرر محتمل (فاضلی بهسودی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶)، درء المفساد اولی من جلب المنافع (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۴۷)، الدفع اقوی من الرفع (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، ج ۸، ص ۴۹۲) واجب است دانش خود را در این زمینه افزایش دهد و راه‌های مقابله با آن را کشف نماید. فعل امر در ابتدای آیه دستور به جنگیدن می‌دهد، این جنگیدن می‌تواند با سلاح باشد و یا با ابزار علمی؛ در این میان تفاوتی وجود ندارد. زیرا هر آن عملی که باعث تهدید جامعه‌ی اسلامی و مسلمانان باشد، باید دفع گردد و این لزوم به حکم عقل و شرع است. عقلاء عالم وقتی تهدیدی علیه آنها باشد، اقدام به دفاع از خود و دفع آن مفسده و شر می‌نمایند. سلاح بیولوژیک که کشنده است و خطری به مراتب بسیارتر از سلاح جنگی دارد، به طریق اولی باید دفع ضرر گردد. در خصوص آثار مخرب سلاح بیولوژیک باید گفت این سلاح جدا از تأثیر مرگ‌آور بر روی کسی که مورد اصابت آن قرار می‌گیرد، قابلیت انتقال به نسل‌های بعدی را نیز دارد. کسانی که در حادثه هیروشیما و ناکازاکی با بمب اتمی مجروح شدند و زنده ماندند، ملاحظه شد پس از مدتی دچار بیماری شده و جان خود را از دست دادند و نسل بعدی آنها نیز دچار همان بیماری‌ها و یا نقص عضو و مانند آن شدند. در زمان دفاع مقدس نیز بعضی از رزمندگان بر اثر استفاده‌ی عراق از بمب شیمیایی و میکروبی باعث شهادت و مجروحیت آن عزیزان شدند. بعضی از جانبازان شیمیایی که به ظاهر مداوا شدند پس از مدتی دچار بیماری‌های صعب‌العلاج شده و به شهادت رسیدند و یا فرزندان آنها بر اثر انتقال ژنتیک بیماری آنها دچار بیماری شدند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که به آنها اشاره شد، فقه حکومتی یکی از ابزارها و روش‌های اجتهاد و اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی است. این دانش در حکومت اسلامی به عنوان ابزاری است که بتواند آنچه به صلاح جامعه‌ی اسلامی است در اختیار حکومت قرار دهد. لهذا باید فقیهانی در این عرصه ورود کرده و در این خصوص به اجتهاد برسند. به نظر می‌رسد حکومت اسلامی باید کارگروه فقه حکومتی را ایجاد کرده و با دخالت رهبری و مجلس خبرگان از میان کسانی که در فقه حکومتی در اجتهاد رسیدند عده‌ای که آگاه به زمانه و دلسوز امت اسلامی هستند را انتخاب کرده و به مشاوره با حکومت پردازند. در هر حال کارکرد فقه حکومتی از گستردگی فراوانی برخوردار است و این قابلیت را دارد که در عرصه‌های مختلف اجتماع اسلامی ورود پیدا نماید. از جمله‌ی این موارد، دانش‌های نوپیدا است که فقه حکومتی باید در بسط و اعتلای آنها و ایجاد کرسی درس خارج فقه به تبیین آن و نیاز فقه به آنها پردازند. وقوف و تسلط به این نوع از دانش‌ها قابلیت‌های مختلفی را برای جامعه اسلامی و حکومت آن ایجاد می‌نماید. از جمله موضوع دفاع از سرزمین اسلامی از تهدیدهایی که در این زمینه وجود دارد. بر امت اسلامی واجب شرعی و عقلی است که این نوع از دانش‌ها را آموخته و برای حفظ نظام اسلامی و کمک به محرومین و مستضعفین جهان از آن استفاده نمایند.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- صحیفه سجادیه. (۱۳۷۵). ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انتشارات سروش.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۶). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- اراکي، محسن. (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلام. قم: انتشارات معارف.
- اراکي، محمدعلی. (۱۳۷۵). أصول الفقه. قم: موسسه در راه حق.
- الماسی، نجادعلی؛ جلیلی، میر جمیل. (۱۴۰۱). مقایسه شخصیت حقیقی و حقوقی با شخصیت مجازی از منظر اخلاق در حقوق ایران. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۷(۴)، ۸-۱.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۱۱ق). المکاسب. قم: نشر دار الذخائر.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثه.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). المنجد الایجودی. ترجمه رضا مهیار. تهران: انتشارات اسلامی.
- پرور، اسماعیل. (۱۳۹۰). فقه حکومتی چرایی، چیستی و چگونگی. مجله سوره اندیشه، ۵۶ و ۵۷، ۱۹۲-۱۹۵.
- پرسمان دانشگاهیان. (بی تا). جهاد علمی. قابل دسترس در: <https://porseman.com/article>.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۳). خمس رسائل. قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی؛ آرام، احمد. (۱۳۸۰). الحیاء. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق). (۱۴۱۲ق). النهایه و نکتها. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره شهدای روحانی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۲). بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم السلام). قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- رحمانی فرد سبزواری، علی. (۱۳۹۹). تمایز حکم حکومتی با سایر احکام شرعی. مجله گفتمان فقه حکومتی، ۴(۶)، ۷۱-۴۹.
- زارعی سبزواری، عباس علی. (۱۴۳۰ق). القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۷). درس خارج فقه. قابل دسترس در: [لینک مشکوک حذف شد].
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۵ق). الرسائل الاربع قواعد اصولیه و فقهیه. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- ضیایی فر، سعید. (۱۳۹۱). رویکرد حکومتی به فقه. مجله علوم سیاسی، ۱۴(۵۳)، ۷-۳۱.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۵۹). تفسیر مجمع البیان. تهران: انتشارات فراهانی.
- عاملی، محمد بن حسن (حرّ). (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- فاضل بهسودی، محمدباقر. (۱۳۸۲). القواعد و الفروق. قم: دار التفسیر.

فاضل لنکرانی، محمدجواد. (بی تا). موسوعه رد الشبهات الفقهية المعاصرة (حدود). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۲۲ق). تحرير المجله. قم: المجمع العالمي للتقريب المذاهب الاسلامیة.
مؤمن قمی، محمد. (۱۴۲۵ق). الولاية الالهية الاسلامیة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
مرادخانی، احمد؛ رحمانی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی بیوتروریسم. مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۴ (۵۲)، ۱۲۷-۱۴۸.

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن. (۱۴۱۲ق). الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقليد. قم: نشر انصاریان.
مشکانی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۰). درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری. مجله حکومت اسلامی، ۱۶ (۲)، ۱۵۵-۱۸۴.
مشکینی، علی. (۱۳۹۳). مصطلحات الفقه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
مصطفوی، محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). القواعد الفقهیة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
معروف الحسنی، هاشم. (۱۴۱۱ق). تاریخ فقه جعفری. قم: دار الفکر الاسلامی.
مغنی، محمدجواد. (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۵ق). انوار الفقاه (کتاب البیع). قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی. قم: انتشارات کیهان.
میرباقری، سید محمد مهدی؛ عبدالحی، یحیی؛ نوروزی، حسن. (۱۳۹۵). فقه حکومتی از منظر شهید صدر. مجله راهبرد فرهنگ، ۳۶ (۳)، ۸۶-۶۱.

واژه یاب. (بی تا). فرهنگ لغت معین. قابل دسترس در: <https://www.vajehyab.com>
هاشمی شاهرودی، محمد. (۱۴۳۲ق). موسوعه الفقه الاسلامی المقارن. قم: مؤسسه دائره المعارف اسلامی بر مذهب اهل البيت (علیهم السلام).
هادوی تهرانی، محمد مهدی. (۱۳۷۵). الشخصیات المعنویة فی الفقه الاسلامی. مجله الفکر الاسلامی، ۱۶ (۱)، ۹۵-۱۱۷.

References

The Holy Quran

- Al-Baḥrānī, S. H. ibn S. (1995). *Al-Burhān fī tafsīr al-Qurʾān* [The proof in the interpretation of the Qur'an]. Al-Ba'thah Institute.
- Al-Bustānī, F. A. (1996). *Al-Munjid al-abjadi* [The alphabetical guide]. (R. Mahyār, Trans.). Islamic Publication Office.
- Al-Ḥillī, J. ibn Ḥ. (Muhaqqiq). (1992). *Al-Nihāyah wa nukatahā* [The ultimate end and its subtleties]. Islamic Publishing Foundation.
- Al-Ḥurr al-ʿĀmilī, M. ibn Ḥ. (1988). *Wasā'il al-Shī'ah* [The means of the Shia]. Āl al-Bayt Institute.
- Al-Mustafa International University. (n.d.). *Scientific jihad*. Retrieved from <https://porseman.com/article>
- Al-Ṣaḥīfah al-Sajjādīyah. (1996). (A. Āyatī, Trans.). Surūsh Publication.
- Almasi, N., & Jalili, M. J. (2022). A comparison of natural and legal personality with virtual personality from the perspective of ethics in Iranian law. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 17(4), 1-8.
- Anṣārī, M. ibn M. (1991). *Al-Makāsib* [The gains]. Dār al-Dhakhā'ir Publication

- Arākī, M. (2014). *The jurisprudence of the Islamic political system*. Maaref Publishing.
- Arākī, M. 'A. (1996). *Uṣūl al-fiqh* [The principles of jurisprudence]. Dar al-Ḥaqq Institute.
- Ashouri, D. (2017). *Political encyclopedia*. Morvarid Publishing.
- Fāḍil Bihsūdī, M. B. (2003). *Al-Qawā'id wa al-furūq* [The principles and distinctions]. Dār al-Tafsīr.
- Fāḍil Lankarānī, M. J. (n.d.). *Mawsū'at radd al-shubuhāt al-fiqhīyah al-mu'āṣirah (Ḥudūd)* [Encyclopedia of refuting contemporary jurisprudential doubts (Fixed punishments)]. Ahl al-Bayt Jurisprudential Center.
- Hādavī Tihrānī, M. M. (1996). Legal persons in Islamic jurisprudence. *Journal of Al-Fikr al-Islāmī*, (16), 95-117.
- Ḥakīmī, M. R., Ḥakīmī, M., Ḥakīmī, 'A., & Āram, A. (2001). *Al-Ḥayāt* [The life]. (A. Āram, Trans.). Islamic Culture Publishing Office.
- Hashemi Shahroudi, M. (2011). *Encyclopedia of comparative Islamic jurisprudence*. Islamic Encyclopedia Institute of the Ahl al-Bayt School.
- Ibn Shu'bah al-Ḥarrānī, Ḥ. ibn 'Alī. (1984). *Tuḥaf al-ūqūl* [The masterpieces of the intellects]. Jāmi'ah al-Mudarrisīn.
- Jafari Langroudi, M. J. (2001). *Legal terminology*. Ganj-e Danesh.
- Jafari Langroudi, M. J. (2002). *A comprehensive volume on legal terminology*. Ganj-e Danesh Library.
- Javādī Āmulī, 'A. (1984). *Khams rasā'il* [Five treatises]. Islamic Publishing Institute.
- Kāshif al-Ghiṭā', M. Ḥ. (2001). *Taḥrīr al-majallah* [The drafting of the journal]. The World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thought.
- Khamenei, S. A. (2019). *Statements in a meeting with the organizers of the Congress of Martyred Clergymen*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>
- Khamenei, S. A. (2023). *Statements in a meeting with eulogists of Ahl al-Bayt (peace be upon them)*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir>
- Makārim Shīrāzī, N. (2004). *Anwār al-fiqāhah (Kitāb al-bay')* [The lights of jurisprudence (The book of sales)]. Imam Ali ibn Abi Talib School Press.
- Ma'rūf al-Ḥasanī, H. (1991). *Tārīkh al-fiqh al-Ja'farī* [History of Ja'farī jurisprudence]. Dār al-Fikr al-Islāmī. (Original work published 1411 ق)
- Mirbaqeri, S. M. M., Abdollahi, Y., & Norouzi, H. (2016). State fiqh from the perspective of Shahid Sadr. *Rahbord-e Farhang Journal*, (36), 61-86.
- Mishkānī Sabzavārī, A. (2011). An introduction to state jurisprudence from the perspective of the Supreme Leader. *Journal of Islamic State*, 16(2), 155-184.
- Mishkini, A. (2014). *Jurisprudential terminology*. Dar al-Hadith Scientific-Cultural Institute.
- Momeni Qumī, M. (2004). *Al-Wilāyah al-ilāhīyah al-Islāmīyah* [The divine Islamic guardianship]. Islamic Publishing Foundation.
- Moradkhani, A., & Rahmani, F. (2018). A fiqhi and legal study of bioterrorism. *Journal of Islamic Law and Jurisprudence Research*, 14(52), 127-148.

- Mughnīyah, M. J. (1999). *Tafsīr al-kāshif* [The revealing interpretation]. (M. Dānish, Trans.). Bustān-i Kitāb.
- Muntazeri, H. A. (1988). *Jurisprudential foundations of the Islamic state*. Kayhan Publications.
- Murtaḍā Langaṛūdī, M. Ḥ. (1992). *Al-Durr al-naḍīd fī al-ijtihād wa al-iḥtiyāṭ wa al-taqlīd* [The brilliant pearls on ijtihād, precaution, and emulation]. Ansarian Publication.
- Muṣṭafavī, M. K. (2000). *Al-Qawā'id al-fiqhīyah* [Jurisprudential principles]. Islamic Publishing Foundation.
- Nahj al-Balāghah. (2004). (M. Dashtī, Trans.). Imam Ali Cultural and Research Institute.
- Parvar, I. (2011). State Fiqh: The why, what, and how. *Journal of Sūrah Andīshah*, (56-57), 192-195.
- Rahmani Fard Sabzevari, A. (2020). Distinguishing state decrees from other religious rulings. *Journal of Discourse on State Fiqh*, 4(6), 49-71.
- Ṣubḥānī Tabrīzī, J. (1995). *Al-Rasā'il al-arba'ah qawā'id uṣūlīyah wa fiqhīyah* [The four treatises: Fundamental and jurisprudential principles]. Al-Imām al-Ṣādiq Institute.
- Ṣubḥānī, J. (2018). *Advanced jurisprudence course (Dars-e Khārij)*.
- Ṭabarsī, F. ibn Ḥ. (1980). *Tafsīr Majma' al-bayān* [The compendium of elucidation interpretation]. Farāhānī Publication.
- Ṭabāṭabā'ī, M. Ḥ. (1995). *Tafsīr al-Mīzān* [The balance interpretation]. (M. B. Mūsavī, Trans.). Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers Association.
- Vājehyāb. (n.d.). *Mu'm dictionary*. Retrieved from <https://www.vajehyab.com>
- Zāre' Sabzavārī, 'A. (2009). *Al-Qawā'id al-fiqhīyah fī fiqh al-Imāmīyah* [Jurisprudential principles in Imami jurisprudence]. Islamic Publishing Foundation.
- Ziaei Far, S. (2012). A state approach to fiqh. *Journal of Political Science*, 14(53), 7-31.